

یادداشت
امین راستی

دیدار سالانه کارگران با رهبر معظم انقلاب اسلامی، همواره بزنگاهی برای تبیین مبانی نظری و راهبردهای عملی نظام در عرصه کار، تولید و اقتصاد ملی بوده است. سخنان روز گذشته ایشان «چیز همچون سنوات قبل، سرشار از نکات دقیق و راهگشایی بود که نه تنها مسیر پیش روی جامعه کارگری و تولیدکنندگان را روشن می کند، بلکه در پیچهای این فهم عمیق تر منظومه فکری و راهبردی سیاسی ایشان در اداره کشور می کشاید. تحلیل این بیانات از زوایای مختلف امکان پذیر است اما شاید مهم ترین پرسشی این باشد که راهبرد ایشان در توجیه به مساله کار و کارگر، چه دلالت های اقتصاد سیاسی عمیق تری دارد و چرا از اهمیتی استراتژیک برخوردار است؟

سالیان اخیر، تلاش هایی برای صورت بندی نگاه اقتصادی رهبر انقلاب در چارچوب های مرسوم «چپ اقتصاد» یا «راست اقتصاد» شده است، گروهی با استناد به سیاست هایی همچون مخالفت شدید با تصدی گری افراطی دولت، ابلاغ سیاست های بخشی اصول ۴۴ قانون اساسی و تاکید بر نقش آفرینی بخش خصوصی، ایشان را دارای دیدگاهی نزدیک به بازار آزاد یا راست اقتصادی معرفی می کنند. در مقابل، گروهی دیگر با تمرکز بر مواضع ایشان علیه نظام سرمایه داری، نقد تجارت آزاد و تاکید بر ضرورت حمایت از تولید داخلی، حتی به قیمت بستن واردات سعی در ترسیم چهراهی چپ گرا از ایشان داشته اند. اما حقیقت آن است که هیچ یک از این برجسبها قادر به تبیین دقیق و جامع منظومه فکری رهبر انقلاب نیستند و در وجه نوعی، تقلیل گرانه و ناکافی اند. شفافیت موضوع ایشان درباره رفاه و

دخالت افراطی دولت و تاکید همیشگی بر «واگذاری سرمایه و صنعت و اقتصاد به مردم»، هر گونه شائبه چپ گرایی یا دولتی سازی اقتصاد را مردود می کند. از سوی دیگر، سیاست ویژه و «غیرت» مثال زدنی ایشان بر مساله کار، کرامت کارگر، لزوم مشارکت کارگران در سود و تاکید بر حمایت تولید داخلی، با مبانی راست گرایانه ای که ممکن است بعضی موضوعات را در پای منافع سرمایه و حتی بخش خصوصی قربانی کند، در تضاد آشکار است. برای مثال، ایشان در بیانات دیروزشان بر این نکته راهبردی تاکید ورزیدند که کارگر باید در سود حاصل از تولید شریک شود؛ «یکی از کارهای مهم که به نظر من احتیاج دارد به یک برنامه ریزی جامع و کامل از سوسی مسؤلان و خیلی به نفع کارگر است، هم به نفع کارگر است و هم به نفع کارفرماست، اگر است که کارگر در سود حاصل از تولید شریک شود. اگر کارگر احساس کند هر چه سود این جنس بیشتر شود، سود او هم بیشتر خواهد شد، انگیزه پیدا می کند برای اینکه کار را بهتر از آب در بیاورد». یعنی این به کارگر انگیزه می دهد کار را کامل تر، تمیز تر از آورد». این دیدگاه، فراتر از تقلیم بندی های ساده چپ و راست، نشان از یک نگاه عمیق تر به روابط تولید و عدالت اجتماعی و تشکیل یک جامعه پویا دارد.

■ «جامعه مولد» و «ایران قوی»: طرحی سیاسی برای اقتصاد

حال سوال اساسی این است که اگر کلان راهبرد اقتصاد برای مردم معظم انقلاب به هیچ یک از ۲ رویکرد چپ و راست اقتصادی تطابق کامل ندارد، ایشان چه نظام فکری و چه طرحی را برای اقتصاد ایران دنبال می کنند؟ به نظر می رسد پاسخ را باید در نگاهی فراتر از اقتصاد برجست و جو کرد. برای ایشان، مساله تولید، صنعت، کار و کارگر، ابعدی به مراتب وسیع تر از یک بحث صرفا اقتصادی دارد و در ذیل یک «طرح سیاسی» جامع برای اعتلا و قدرتمندی ایران تعریف می شود. از این منظر، نگاهی را که در اقتصاد دنبال می کنند که در نهایت به «قدرت ملی» یا «ایران قوی» منتج شود. اصل اساسی و شالوده هر سیاست اقتصادی در نگاه ایشان، منافع ملی ایران و تقویت بنیان های اقتصاد ملی است. بر این اساس، ایشان طرحی از «جامعه مولد» را در اقتصاد سیاسی ایران پیگیری می کنند؛ طرحی که می تواند سیاست و اقتصاد ایران را از نقطه قفل دشگی و اتکالی رخت آور به منابع نفتی برهاند و یک اقتصاد پویا، متکی بر کار، تلاش، نوآوری بدل کند. بنابراین نگاه ایشان به مقوله «کار» نه یک نگاه ابزاری یا تاکتیکی، بلکه یک نگاه ذاتی و معرفتی است؛ طرحی برای توسعه اندازی جامعه ایران در مواجهه با چالش ها و سختی ها. چنانکه فرمودند: «کار، یک ستون اصلی اداره زندگی بشر است. اگر کار نباشد زندگی بشر فلج می شود. سرمایه مسلما تأثیر دارد، علم مسلما تأثیر دارد اما سرمایه و علم بدون نیروی کننده، بدون کار، هر به هیچ کار نمی آید. هیچ فناوری یا هر مترتب نمی شود. کارگر روح می دهد به جسم سرمایه». این تعریف از کار، آن را به مثابه عنصر حیاتی بخش اقتصاد و جامعه معرفی می کند و نه صرفا یک عامل تولید و کنار سایر عوامل.

■ «غیرت ایرانی» بر تولید ملی و کارگر

گفتارهایی بر اساس «غیرت ایرانی» که در ساحت های مختلف فرهنگی و هویتی در بیانات رهبر انقلاب قابل ردیابی است، در عرصه اقتصاد نیز تجلی ویژه ای می یابد. همان گونه که اصرار ایشان بر حفظ و ترویج زبان فارسی و پاسداشت فرهنگ غنی ایرانی رزبان است. در اقتصاد نیز «کارگر ایرانی» و «کالای ایرانی» – که پیوندی وثیق و ناگسستنی با یکدیگر دارند - از جایگاهی حیاتی و راهبردی برخوردارند. «غیرت ایرانی» به معنای پاسداشت و ترویج فرهنگ، هویت و ارزش های ملی و فرهنگی است. این مفهوم، به عنوان یک عامل محرک در پیوند بین فرهنگ و اقتصاد، نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور دارد. در این راستا، رهبر انقلاب با تأکید بر اهمیت تولید داخلی، به دنبال تقویت بنیان های اقتصادی و اجتماعی کشور است. این رویکرد، نه تنها به حمایت از تولید داخلی و ایجاد اشتغال منجر می شود، بلکه به تقویت هویت ملی و فرهنگی کشور نیز کمک می کند. در این راستا، رهبر انقلاب با تأکید بر اهمیت تولید داخلی، به دنبال تقویت بنیان های اقتصادی و اجتماعی کشور است. این رویکرد، نه تنها به حمایت از تولید داخلی و ایجاد اشتغال منجر می شود، بلکه به تقویت هویت ملی و فرهنگی کشور نیز کمک می کند.

■ گذار از جامعه نفتی به جامعه مولد: یک راهبرد تاریخی

در نهایت باید اذعان داشت نگاه رهبر انقلاب به اقتصاد، نه یک نگاه صرفا مکتبی و محصور در چارچوب های نظری رایج، بلکه یک طرح سیاسی» کلان برای جامعه ایرانی است. در این طرح، هر آنچه به تحقق ایده «ایران قوی» و افزایش اقتدار و عزت ملی پاری رساند، در اولویت قرار می گیرد. این نگاه عمیقا ملی گرانه و ایران دوستانه، ایشان را بر آن داشته در یک راهبرد تاریخی بلندمدت، زمینه را برای گذار جامعه ایران از «جامعه نفتی» (یا ویژگی های همچون مصرف گرایی، فقدان ابتکار و خلاقیت، وابستگی و عدم توانایی در خلق قدرت درون) به «جامعه مولد» فراهم آورد. از این منظر، شاید به نگاه اول و با عینک سادگانگاره اقتصادی، دیدگاه های ایشان درباره دولت، صنعت، تولید، تجارت و بخش خصوصی، متناقض به نظر برسد اما تعمق در ابعاد سیاسی و راهبردی این دیدگاه ها، مشخص می شود تمام این عناصر، اجزای یک «کل منسجم» را تشکیل داده و طرحی سیاسی و مشخص را برای آینده ایران ترسیم می کنند. طرحی که در آن کارگر نه تنها به عنوان نیروی محرک تولید، بلکه به عنوان شهروندی فعال و سبیم در سرنوشت کشوری نگریسته می شود و «کار» نیز نه صرفا وسیله ای برای معاش، که ابزاری برای ساختن ایرانی آباد، مستقل و قدرتمند است.

به همین جهت است که سخنان روز گذشته ایشان دربره کار و کارگر، بسیار فراتر از یک سخنرانی انگیزشی صرف تلقی می شود. این بیانات، در حقیقت فراخوانی برای احیای «فرهنگ کار» و تاکید بر مسؤلوت تاریخی جامعه ایرانی برای ساختن آینده ای متکی بر توان داخلی و خلاقیت فرزندان این مرز و بوم است. این یک چشم انداز راهبردی است که تحقق آن، ضامن عزت و پیشرفت ایران اسلامی در دهه های پیش رو خواهد بود و موجب می شود جامعه ایرانی از یک مسؤلوت تاریخی خود برآید.

مدیران خودرو با ایجاد انحصار در تأمین قطعات و تعمیر خودرو هزینه‌های بالایی را بر مشتریان خود تحميل می‌کند

نگاه
محمدتقی طاهری

پایانه مرزی شلمچه با نزدیکی به قطب‌های کشاورزی کشور، ظرفیت بالایی برای صادرات محصولات کشاورزی دارد اما تعامل سازمان منطقه آزاد اروند به عنوان متولی امور با پایانه در ایجاد زیرساخت‌هایی مانند دستگاه ایکس‌ری، شعبه ارزی و گیت‌های ویژه، مانع توسعه این ظرفیت شده است. عراق از مهم‌ترین کشورهای منطقه غرب آسیا و یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت جهان است. این کشور پس از حمله آمریکا و سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ به لحاظ زیرساختی دچار آسیب شد و از آن زمان تاکنون، تقریباً همه اقتصاد این کشور وابسته به فروش نفت و واردات محصولات مصرفی بوده نیز مردم است. یکی از مهم‌ترین واردات عراق از کشورهای دیگر، محصولات کشاورزی و مواد غذایی است؛ به گونه‌ای که از کل واردات ۷۰ میلیارد دلار در این کشور در سال ۲۰۲۳، ۱۳٫۷ میلیارد به واردات مواد غذایی و محصولات کشاورزی اختصاص یافته بود. در این بین ترکیه با صادرات ۴٫۵ میلیارد دلاری بیشترین سهم را از این بازار مصرفی بزرگ کسب کرده و این تنها ۱۹ میلیارد دلار محصول کشاورزی و غذایی به عراق صادر کرده است. این در حالی است که ایران با در اختیار داشتن ۷ گذرگاه تجاری که برخی از آنها بویژه شلمچه به قطب‌های تولیدات کشاورزی کشور نزدیک هستند ظرفیت بسیار خوبی برای بهره‌بردن از بازار کشاورزی عراق دارد. پایانه شلمچه به دلایلی نظیر همجواری با استان پرجمعیت بصره به عنوان دروازه تجارت با عراق و از طرفی نزدیکی به خوزستان و فارس به عنوان ۲ قطب کشاورزی ایران، ظرفیت بسیار خوبی برای صادرات محصولات کشاورزی دارد. با این حال سال ۲۰۲۳ این پایانه تنها ۹۰ میلیون دلار محصولات کشاورزی به عراق صادر کرد؛ این عدد با توجه به ظرفیت بالای این پایانه جای رشد بسیاری دارد که این عدم رشد، معلول مشکلات پایانه شلمچه است؛ مشکلاتی که اعتراض تولیدکنندگان و تجار ایرانی و عراقی را در پی داشته و هزینه تجارت این محصولات را زیاد کرده است.

۱- عدم استفاده از دستگاه ایکسری کامیونی در پایانه: یکی از ضرورت‌های پایانه‌های تجاری، وجود دستگاه ایکسری کامیونی است که امنیت وسعت تجارت دوطرفه را تضمین می‌کند. پایانه شلمچه سال ۱۳۹۸ با هزینه ۱۵.۵ میلیون دلاری مجهز به دستگاه ایکسری شد اما با گذشت ۶ سال همچنان از این دستگاه در پایانه استفاده نمی‌شود!

دیدار سالانه کارگران با رهبر معظم انقلاب اسلامی، همواره بزنگاهی برای تبیین مبانی نظری و راهبردهای عملی نظام در عرصه کار، تولید و اقتصاد ملی بوده است. سخنان روز گذشته ایشان نیز همچون سنوات قبل، سرشار از نکات دقیق و آرمگشاییی بود که نه تنها مسیر پیش روی جامعه کارگری و تولیدکنندگان را روشن می کند، بلکه در پله‌ای برای فهم عمیق تر منظومه فکری و راهبرد سیاسی ایشان در اداره کشور می‌گشاید. تحلیل این بیانات از زوایای مختلف امکان پذیر است اما شاید مهم‌ترین پرسش این باشد که راهبرد ایشان در توجه به مساله کار و کارگر، چه دلالت‌های اقتصاد سیاسی عمیق‌تری دارد و چرا از اهمیتی استراتژیک برخوردار است؟

بر سالیان اخیر، تلاش‌هایی برای صورت‌بندی نگاه اقتصادی رهبر انقلاب در چارچوب‌های مرسوم «چپ اقتصادی» یا «ارست‌اقتصادی» شده است. گروهی با استناد به سیاست‌هایی همچون مخالفت شدید با تصدیگری افراطی دولت، ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و تأکید بر نقش آفرینی بخش خصوصی، ایشان را دارای دیدگاهی نزدیک به بازار آزاد یا دست‌انگاز مرفعی می‌کنند. در مقابل، گروهی دیگر با تمرکز بر مواضع ایشان علیه نظام سرمایه‌داری، نقد تجارت آزاد و تأکید بر ضرورت حمایت از تولید داخلی، حتی به قیمت بستن واردات، سعی در ترسیم چهره‌ای چپ‌گرا از ایشان داشته‌اند. اما حقیقت آن است که هیچ‌یک از این چرچ‌سها قادر به تبیین دقیق و جامع منظومه فکری رهبر انقلاب نیستند و هر دو به نوعی، تقلیل‌گرانه و ناکافی‌اند. شفافیت مواضع ایشان درباره نقش و

دخالت افراطی دولت و تأکید همیشگی بر «واگذاری سرمایه و صنعت و اقتصاد به مردم»، هر گونه شائبه چپ‌گرایی یا دولتی‌سازی اقتدار را مردود می‌کند. از سوی دیگر، حساسیت ویژه و «فیرت» مثال‌داری ایشان بر مساله کار، کرامت کارگر، لزوم مشارکت کارگران در سود و تأکید بر حمایت تولید ایرانی، با مبانی راست‌گرایانه‌ای که ممکن است بعضی موضوعات را در پای منافع سرمایه و حتی بعضی خصوصی قربانی کند، در تضاد آشکار است. برای مثال، ایشان در بیانات درویشان بر سود حاصل بهره‌داری تأکید ورزیدند که کارگرهای در سود حاضر از تولید شریک شود؛ «یکی از کارهای مهم که به نظر من احتیاج دارد به یک برنامه‌ریزی جامع و کامل از نسق مسئولان و خیلی به نفع کارگر است، هم به نفع کارگر است و هم به نفع فرافرمانت، آن است که کارگر در سود حاصل از تولید شریک شود. اگر کارگر احساس کند هر چه سود این جنس بیشتر شود، سود او هم بیشتر خواهد شد، انگیزه پیدا می‌کند برای اینکه کار را به بیلاورد. یعنی این که کارگر انگیزه کار دهد تا او بهتر، کامل‌تر، تمیزتر از آب در آورد». این دیدگاه، فراتر از تقسیم‌بندی‌های ساده چپ و راست، نشان از یک نگاه عمیق‌تر به روابط تولید و عدالت اجتماعی و تشکیل یک جامعه روپا پیاورد.

■ «جامعه مؤمن» و «ایران نوی» : طرحی سیاسی
برای اقتصاد

اقتصادی رهبر معظم انقلاب با هیچ‌کدام از ۲ رویکرد
چپ و راست اقتصادی تطابق کامل ندارد، ایشان چه
نظام فکری و چه طرحی را برای اقتصاد ایران دنبال
می‌کنند؟ به نظر می‌رسد پاسخ را باید در تگاهی
فراتر از اقتصاد صرف جست‌وجو کرد. برای ایشان،
مساله تولید، صنعت، کار و کارگر، ابعادی به مراتب

همین جنس حساب کرد. در بهاری که موج جدیدی از درگیری‌ها در کرانه باختری آغاز شده، محمود عباس و توهین‌های او به مقاومت فلسطین تبدیل به نمادی برای وضعیت متناقض ساختاری تشکیلاتی شده که روزگاری برای ایجاد کشور فلسطینی تأسیس شد اما امروز به چشمان مراقب اسرائیل در مناطق اشغالی شباهت بیشتری دارد.

نهادسازی تحت نظارت اشغال تشکیلات خودگردان فلسطینی در سال ۱۹۹۴، بر پایه توافقنامه‌های اسلو میان سازمان آزادی‌بخش فلسطین و دولت اسرائیل، به‌صورتیست ایجاد حق و قرار بود این نهاد، مرحله گذار به احقاق حقوق ملت مظلوم فلسطین باشد اما این ساختار اداری بتدریج تنها به کنترل مناطق «A» (تنها ۱۸ درصد) باصطلاح باختری که قسراً در اختیار فلسطینی‌ها قرار داده شده، محدود شد. البته محدودیتی که اسرائیل برای نفوذ آن، بی‌مبوط‌الید است و در آنچه

وسیع‌تر از یک بحث صرفاً اقتصادی دارد و در ذیل یک «طرح سیاسی» جامع برای اعتلا و قدرتمندی ایران مطرح می‌شود. این منظر، ایشان نگاه‌ها را در اقتصاد دنبال می‌کند که در نهایت به «قدرت ملی» یا «ایران قوی» منتج شود. اصل اساسی و شالوده این سیاست اقتصادی در نگاه ایشان، منافع ملی ایران و تقویت بنیان‌های اقتصادی ملی است. بر این اساس، ایشان طرح‌ها را «جامعه‌مولد» را در اقتصاد سیاسی ایران پیگیری می‌کنند؛ طرحی که می‌تواند سیاست و اقتصاد ایران را از نقطه قفل‌شدگی و اتکالی مکتوبه به منافع واقعی برهاند و یک اقتصاد پویا، رخسار بر کار، تلاش و نوآوری بدل کند. بنابراین نگاه ایشان به مقوله «کار» نه یک نگاه ابزاری یا تاکتیکی، بلکه یک نگاه ذاتی و معرفتی است؛ طرحی برای اتکال‌مندی‌سازی جامعه ایران در مواجهه با چالش‌ها و سختی‌ها. چنانکه فرمودند: «کار، می‌سوزن اصلی اداره زندگی بشر است. اگر کار نباشد زندگی بشر فلج می‌شود. سرمایه‌ها مسلماً تیره دار، علم معلوم تأثیر دارد، اما سرمایه و علم بدون نیروی کار، مذبذب می‌شود. هیچ کار نمی‌آید، هیچ فایده‌ای بر نمی‌آید، هیچ روح می‌دهد به جسم سرمایه». این نوع نگاه را، آن‌ها را به مثابه عنصر حیات‌بخش اقتصاد و جامعه معرفی می‌کنند و نه صرفاً یک عامل تولید در کنار سایر عوامل.

گفتا: «ها، به به اساس، «غبت ابدان» که در

ساخت‌های مختلف فرهنگی و هویتی در بیانات هبیر انقلاب قابل ردیابی است، در عرصه اقتصاد نیز تجلی و ویژه‌ای می‌یابد. همان گونه که اصرار ایشان بر حفظ و ترویج زبان فارسی و پاسداشت فرهنگ غنی «کارگر ایرانی» در اقتصاد نیز «کارگر ایرانی» و «کالای ایرانی» - که پیوندی وثیق و ناگسستنی با یکدیگر دارند - از جایگاهی حیاتی و راهبردی

را بخواهد انجام می‌دهد و این ساختار و همان ابتدا، نه با حاکمیت که با محدودیت تعریف شد؛ تمام نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برطرف کند. تحت نظارت اسرائیل باقی ماند، اقتصاد بشدت وابسته به مالیات‌های انتقالی از سوی اسرائیل شد و مهم‌تر از همه، دستگاه امنیتی تشکیل خودگردان، نه برای دفاع از فلسطینی‌ها که برای حاکمیت «ثبات» طبق منافع اسرائیلی طراحی شد.

■ همکاری امنیتی؛ مقدس یا مسأله‌دار؟

تسکیلات خودگردان از اواخر دهه ۹۰ میلادی تاکنون، در اسرائیل دستگاه امنیتی مستقل بوده است؛ پلیس فلسطینی، دستگاه امنیتی پیشگیرانه، نیروهای اطلاعات عمومی و... همه این دستگاه‌ها تحت نظارت محمود عباس، همکاری نزدیکی با ارتش اسرائیل و شایاک (سرویس امنیت قومی اسرائیل) دارند؛ همکاری که عباس به اندازه یک پیمان مقدس، خودش را به اجرای آن پایبند می‌داند.

برخورد دارند. تأکید مستمر ایشان بر مصرف تولیدات داخلی، نمونه بارز این غیرت ملی است: «یک قلم مهم درباره حاشیت از کارگران، مساله مصرف تولیدات داخلی است که بنده چند سال است روی این دارم تکیه می‌کنم، تأکید می‌کنم. ما الان در برخی اجزاء و مسائل مربوط به زندگی، داخل منزل و چیزها، کیفیت محصولاتمان از خارج اگر بهتر نباشد، کمتر نیست. این را فرهنگ گشای عنوان یک فرهنگ رایج، ایرانی وظیفه خود بدانند. جنس ایرانی مصرف کند، مگر آنجا که در داخل تولیدش نیست. آنجا که در داخل تولید می‌شود، همه وظیفه خودشان بدانند، وظیفه خودشان بدانند، این را فرهنگ کنیم»

کلاسیک علم اقتصاد قرار می گیرد که بر «هنریت نسی» در تجارت خارجی و «جستون مرزها تاکید دارد. رهبر انقلاب با با اولویت بخشی به «یستادن بر پای ایران» و تقویت امنیت تولید داخلی، حتی حاضرند برخی تصمیمات مبتنی بر رفع ممنوعیت واردات کالاهای خارجی، گواهِ این مداخلات: «ما شنیدیم اخیراً یکی از دستگاهها اعلام کرده ورود محصولات دارای مشابه داخلی، ممنوعیتش برداشته شد! چرا برداشته شده؟ آن چیزی که در تولید ملی سودی ندارد، اگر کیفیتش خوب نیست، سعی کنید روی کیفیت کار شود.» این موضع، نشان دهنده آن است که برای ایشان، خودکامی نسی و اقتدار ملی در عرصه تولید، بر محاسبه صرفا اقتصاد مبنی بر هزینه - فایده کوتاهمدت ارجحیت دارد.

تاریخی

همان‌طور که اشاره شد، این همکاری، در عمل در قالب بازداشت اعضای حماس، جهاد اسلامی و گاهی حتی فعالان مستقل ملی، سرکوب تظاهرات ضداسرائیلی در شهرهایی مانند نابلس و جنین و خنثی‌سازی برنامه‌های مقاومت محلی پیش از آنکه اسرائیل وارد عمل شود بروز و ظهور می‌یابد و همین رویکرد باعث شده بسیاری از فلسطینی‌ها تشکیلات خودگردان را نه نماد دولت آینده، بلکه «پلیس نیابتی اسرائیل» بنامند. دردراور اینکه عباس از نسل اولی‌های فتح‌العربی، یعنی همدوره «یاسر عرفات»، «خلیل وزیر» و «صلاح خلف» و چقدر زشت است اسم «ابومازن» در کنار نام «ابوجهاد» (شهید خلیل وزیر) نوشته شود. ابومازن ۹۰ ساله، متولد ۱۹۲۵ در شهر صفد (شمال فلسطین اشغالی)، یکی از قدیمی‌ترین چهره‌های رهبری جریان‌ات فلسطینی است. دکترای علوم سیاسی‌اش را از مسکو گرفت و از ابتدا به‌هم‌رازی در مقاومت هم‌دل نبود و بر مذاکره تأکید داشت و از

به اقتصاد، نه یک نگاه صرفاً مکتبی و محصور در چارچوب‌های نظری رایج، بلکه یک «طرح سیاسی» کلان برای جامعه ایرانی است. در این طرح، هر آنچه به تحقق ایده «ایران قوی» و افزایش اقتدار و عزت ملی یاری رساند، در اولویت قرار می‌گیرد. این نگاه عمیقاً ملی‌گرایانه و ایران‌دوستانه، ایشان را بر آن داشته در یک راهبرد تاریخی بلندمدت، زمینه‌را برای گذار جامعه ایران از «جامعه فئودالی» به ویژگی‌هایی همچون مصرف‌گرایی، فقدان استبداد و خلافت، وابستگی و عدم توانایی در خلق قدرت درون‌زا، به «جامعه مولد» فراهم آورند. از این منظر، شاید در نگاه اول با عینک سادانگارانه صرفاً اقتصادی، دیدگاه‌های ایشان درباره دولت، صنعت، تولید، تجارت و بخش خصوصی، متناقض به نظر برسد اما با تعمق در ابعاد سیاسی و راهبردی این دیدگاه‌ها، مشخص می‌شود تمام این عناصر، اجزای یک «کل منسجم» را تشکیل داده و طرحی سیاسی و مشخص و برای آینده ایران در تسریع می‌کنند. طرحی که در آن، کارگر نه تنها به عنوان نیروی محرکه تولید، بلکه به عنوان شهروندی فعال و سهم‌دار در سرنوشت کشور گنجه‌ی می‌شود و «کارگر نیز نه صرفاً وسیله‌ای برای معاش، که ابزاری برای ساختن ایرانی آباد، مستقل و قدرتمند است.

به همین جهت است که سخنان روز گذشته ایشان درباره کار و کارگر، بسیار فزاینده یک سخنرانی انگیزشی صرف تلقی می‌شود. این‌ها، بیانات، در حقیقت اخلاقی برای احیای «فرهنگ کار» و تأکید بر مسؤولیت تاریخی جامعه ایرانی برای ساختن آینده‌ای منکی بر توان داخلی و خلافت فرزندان این مزم و بوم است. این یک چشم‌انداز راهبردی است که تحقق آن، ضامن عزت و پیشرفت ایران اسلامی در دهه‌های پیش رو خواهد بود و موجب امید شود جامعه ایرانی از پس مسؤولیت تاریخی خود برآید.

همین جهت علاوه بر مخالفت با انتفاضه دوم، به عنوان یکی از افراد موثر در قرارداد اسلو نیز شناخته می‌شود. عباس بر خلاف عرفات، چهارمی تکنوکرات و سرد است و شاید این ویژگی در کنار رویکرد سازشکارانه او، دلیل اصلی عدم محبوبیتش میان نسل جدید فلسطینی‌ها باشد. او اگر چه بر «واقع‌گرایی سیاسی» یا پافشاری می‌کند اما این واقع‌گرایی حالا به شکل انفعال و همدستی با رژیم اشغالگر تعبیر می‌شود. تسکيلات تحت امر او که خود را دل مذاکرات آمد، رفته‌رفته در ساختارهای امنیتی اسرائیل تعریف شده تشکیلاتی که رهبران بر سازش تأکید دارند اما تاکنون نه نتیجه‌ای از آن حاصل شده و نه توانسته اعتماد مردمی را به خود جلب کند، بلکه خود به مانعی بزرگ در مسیر احقاق حقوق ملت فلسطین تبدیل شده است و وقتی اولویت این نهاد «همکاری امنیتی» با اسرائیل باشد، نه دولت فلسطینی شکل می‌گیرد، نه آزادی به دست می‌آید و نه حتی مشروطیت.